



تقویم جلالی

سیدحسین رضوی خراسانی*
دبیر تاریخ منطقه ۴ شهر تهران

اشاره

امید است این مقاله به پرسش‌های برخی از دبیران محترم تاریخ پاسخ دهد و باب تازه‌ای را برای بررسی دقیق‌تر همه‌ی نظام‌های گاه‌شماری مطرح شده در کتاب درسی بگشاید.

کلید واژه: گاه‌شماری، تقویم جلالی، نام روزها، و...

مقدمه

یکی از نظام‌های گاه‌شماری که در دوره‌ی سلجوقیان پایه‌گذاری شد و مبنای تقویم شمسی رایج در ایران به شمار می‌رود، «تقویم جلالی» است.

تقویم جلالی یا «تقویم ملکی»^۱، تقویم شمسی است که در دوره‌ی فرمانروایی جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی (۸۵-۴۶۵ هـ.ق) در قسمت وسیعی از ایران آن روز رایج شد [مصاحب، ۱۳۸۳، ج ۱: ۸-۶۵۷]. در باب پیدایش و روند ساخت و تنظیم این تقویم، لازم به ذکر است که در دوره‌ی ساسانیان، اخذ و دریافت خراج و مالیات‌های دولتی به هنگام نوروز آغاز می‌شد و این سنت و بسیاری از رسوم دیگر در دربار عباسیان، به دلیل غلبه‌ی فرهنگ و تمدن ایرانی معمول بود. از آن‌جا که قاعده‌ی «کیسه» در «تقویم یزدگردی» بعد از ورود اسلام به ایران

یکی از ارکان مهم علم تاریخ «زمان» است. در مطالعات تاریخی، شناخت دقیق و صحیح وقوع یک رویداد تاریخی اهمیت فراوانی دارد. زیرا تمامی تحلیل‌های تاریخی یک رویداد، بعد از شناخت دقیق زمانی آن صورت می‌گیرند و در صورت ناآگاهی از زمان حقیقی آن، تحلیل‌ها ضعف‌های جدی علمی خواهد داشت. به همین دلیل «کرونولوژی»^۲، یعنی بررسی ترتیب زمانی رویدادها، از مقدمات و اصول اولیه‌ی علم تاریخ است. مورخان، برای شناخت زمانی رویدادهای دوره‌ی تاریخی، نیازمند آشنایی با علم گاه‌شماری دوره‌های مطالعاتی خود هستند. زیرا هر ملتی در دوره‌های تاریخی گوناگون با توجه به معیارهای مذهبی، ملی و سیاسی خود، نظام‌های گاه‌شماری متفاوتی پایه‌ریزی و وقایع تاریخی و حوادث و رویدادها را بر اساس آن تاریخ‌گذاری کرده است. لذا شناخت ترتیب زمانی وقوع رویدادها بدون آگاهی از مبنای گاه‌شماری دوره‌ی مطالعاتی مورد نظر غیرممکن است.

چکیده

مقاله‌ی حاضر سعی دارد به چگونگی و شکل این تقویم، و برخی مختصات و ویژگی‌های آن بپردازد. با توجه به آن‌که در درس دوم کتاب «تاریخ‌شناسی» به صورت بسیار اجمالی به تقویم جلالی اشاره شده،

دیگر اجرا نمی شد، «نوروز» از نقطه ی اعتدال ربیعی خارج شده بود و کارگزاران مالیاتی برای تعیین زمان دریافت مالیات به زحمت افتاده و مردم نیز با مشکلات فراوانی روبه رو شده بودند. به همین سبب، دو تن از خلفای عباسی به نام های متوکل و معتضد^۳ به فکر کیسه کردن سال های ایرانی بنا بر رسم ایرانیان پیش از اسلام افتادند [صفا، بی تا: ۱۸].

با تمام تلاش هایی که در جهت تثبیت آغاز سال در اول خرداد صورت گرفت، به دلیل عدم دقت لازم در تقویم معتضدی (از لحاظ احتساب ساعات اضافی سال) به مرور زمان، نابسامانی هایی در این تقویم بروز کرد [نبئی، ۱۳۶۶: ۱۶۶]. از سوی دیگر، بی توجهی به اجرای کیسه موجب شده بود که در اوایل فرمانروایی ملکشاه، ورود خورشید به اول حمل^۴ نه در اول فروردین، بلکه در نوزدهم فروردین صورت گیرد و نوروز به اندازه ی ۱۸ روز جابه جا شود [اکرمی، ۱۳۸۰: ۴۹]. زیرا همان گونه که بیان شد، بعد از فتح ایران توسط مسلمانان، تقویم یزدگردی بی کیسه و بهیزک حساب می شد. به این دلیل، نوروز در یک جا ثابت نمی ماند و همواره با اول بهار که آغاز سال طبیعی است، مطابقت نمی کرد؛ به طوری که خواجه نظام الملک طوسی و ملکشاه در صدد اصلاح تقویم و بنای رصد بندیدی برآمدند [همایی، ۱۳۱۷: ۲-۴۴۱؛ ملک پور، ۱۳۷۸: ۱۰-۹؛ دهخدا، بی تا، ج ۱۷: ۷۳]. برای اجرای این امر مهم، جمعی از منجمان و ریاضی دانان معروف آن عصر، نظیر عمر بن ابراهیم خیامی، ابوالمظفر اسفزاری، میمون بن نجیب واسطی، خواجه عبدالرحمن خازنی و برخی دیگر که سرآمد علمی همه ی آنان عمر خیام بود، دعوت شدند. آنان به مدد دانش بالای خود این تقویم را بنا نهادند که به گزارش ابن اثیر، «تا سال چهارصد و هشتاد و پنج که سلطان درگذشت، دایر بود» [ابن اثیر، بی تا، ج ۱۷: ۷۵]. این افراد به اصلاح و احیای تقویم شمسی ایرانی بر مبنای هجرت پیامبر بزرگ اسلام (ص) پرداختند و تقویم جدید را براساس لقب سلطان جلال الدین ملکشاه، تقویم «جلالی» نامیدند.

در تقویم جلالی، آغاز سال نو هنگام ورود خورشید به برج حمل تعیین شد. اول فروردین ماه که آغاز سال جدید است، روزی است که آفتاب در نصف النهار آن روز در درجه ی اول برج حمل قرار دارد؛ مشروط بر این که در نصف النهار روز قبل در برج حوت^۵ بوده باشد [نبئی، ۱۳۶۶: ۱۶۶]. هم چنین گفته اند، روز اول فروردین ماه در تقویم جلالی روزی است که ورود خورشید به برج حمل، بین ظهر روز قبل و ظهر آن روز انجام گرفته باشد [کاوه، ۱۳۷۳: ۱۱۰]. مهم ترین ویژگی گاه شماری جلالی که آن را از سایر گاه شماری های دیگر ایرانی متمایز می کند، نخستین کیسه ای است که به هنگام رسمیت یافتن این تقویم اعمال شد [دانش نامه ی جهان اسلام، ج ۷: ۸۳۰]. هنگام تنظیم این تقویم، تحویل آفتاب به برج حمل، مصادف با هجدهم فروردین ماه یزدگردی بود. بنابراین ۱۸ روز را کیسه اعلام کردند و این کیسه به ملکشاهی یا جلالی مشهور شد. یکم

فروردین ماه که آغاز سال نو است، «نوروز سلطانی» نامیده شد [نک: بیرجندی، ورق ۳۰].

مبدأ این تقویم روز جمعه دهم رمضان سال ۴۷۱ هجری قمری، مطابق با پانزدهم مارس ۱۰۷۹ میلادی و پانزدهم آزار ۱۳۹۰ اسکندری (سریانی) و ۱۹ فروردین سال ۴۴۸ یزدگردی است [نبئی، ۱۳۶۶: ۱۳۶۷؛ عبدالهی، ۱۳۶۶: ۳۰۱؛ بیرجندی، ورق ۳۰؛ هومند، ۱۳۷۵: ۳۵۰؛ بیات، ۱۳۸۱: ۴۰]. در «سی فصل» خواجه نصیرالدین طوسی آمده است که «نام ماه های این تاریخ هم نام ماه های فارسیان است» [نصیرالدین طوسی، ورق ۷۸]، و سال را به چهار فصل طبیعی بهار، تابستان، پاییز و زمستان تقسیم کردند. در این تقویم، سال به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم شد و خمسه ی مسترقة را در آخر اسفند اضافه کردند. هر چهار سال یا پنج سال نیز، یک روز را کیسه و آن سال را ۳۶۶ روز حساب می کردند. پس از تکرار این عمل در شش یا هفت بار، نوبت کیسه ی چهار سالی است که آن را اصطلاحاً «رباعی» می گویند. در مدت یک دور ۳۲ سالی، نوبت کیسه ی پنج سالی یا خماسی بود که به جای چهار سال، سال پنجم را کیسه می گرفتند و به جای سال ۳۲، سال ۳۳ را ۳۶۶ روز می شمردند [بیرجندی، ورق ۳۰؛ نصیرالدین طوسی، ورق ۷۸؛ شیرازی، ورق ۲۰].

طبق گزارش خواجه نصیرالدین و برخی دیگر از منجمان، نام ماه ها

نام روزهای ماه در گاه شماری جلالی نام ماه های گاه شماری جلالی

شماره	روزهای ماه	شماره	روزهای ماه	شماره	نام ماه
۱	چشن ساز	۱۸	اسب تاز	۱	نو
۲	بزم نه	۱۹	گوی باز	۲	نوبهار
۳	سرفراز	۲۰	پایدار	۳	گرمافزا
۴	کشن نشین	۲۱	مهراکار	۴	روز افزون
۵	نوش خور	۲۲	دوست بین	۵	جهان تاب
۶	غم زدای	۲۳	جانفرا (ی)	۶	جهان آرا
۷	رخ فروز	۲۴	بت فریب	۷	مهرگان
۸	مال بخش	۲۵	کامران	۸	خیزان
۹	زرفشان	۲۶	شادباش	۹	سرمافزا
۱۰	نام جو (ی)	۲۷	دیزی	۱۰	شب افروز
۱۱	رزم جو (ی)	۲۸	شیرگیر	۱۱	آتش افروز
۱۲	کینه کش	۲۹	کامیاب	۱۲	سال افزون
۱۳	تیغ زن	۳۰	ای شهریار		
۱۴	داده ده	شماره	پنج روز پایانی		
۱۵	دین پژوه	۱	آفرین		
۱۶	دیو بند	۲	فرخ		
۱۷	راه گشا (ی)	۳	فیروز		
		۴	رامشت		
		۵	درست		

و روزهای سال در گاه شماری جلالی نام های فارسی (نام های گاه شماری یزدگردی است)، اما در سی فصل، فهرستی متفاوت از نام ها و روزهای ماه و خمسه مسترقة ذکر شده است. شیخ بهایی نیز در «خلاصه الحساب»، عیناً همین نام ها را ذکر



می‌کند [شیخ بهایی، نسخه‌ی خطی، شماره‌ی ۴۴۰۹: ۷۰]. نیز نگاه کنید به: عبدالمسی، ۱۳۶۶: ۷-۳۶۶؛ نبشی، ۱۳۶۶: ۱۶۷؛ دانش‌نامه‌ی جهان اسلام: ۲-۸۳۰]. مدت زمان یک سال تقویمی جلالی برابر است با مدت زمان یک دور کامل زمین به دور خورشید؛ یعنی ۳۶۵ شبانه روز و ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه. خرده زمان ۵ ساعت و ۴۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه در هر چهار یا پنج سال یک روز حساب می‌شود و به عنوان کیسه به پنج روز خمرسه مسترقه اضافه می‌شود. سال در تقویم جلالی، سال معمولی و شمسی اصطلاحی^۱ است، با وجود این، از تمام تقویم‌های معمولی جهان به سال شمسی حقیقی^۲ کاملاً نزدیک‌تر است [نبشی، ۱۳۶۶: ۱۶۹] و آن را می‌توان دقیق‌ترین تقویم جهان دانست. اما نکته‌ی حایز اهمیت آن است که در تقویم جلالی، مانند تقویم شمسی کنونی ایران، سال‌های کیسه ثابت نیستند و کیسه کردن پس از نتایج رصد در هر سال انجام می‌گیرد. زیرا طول سال شمسی تا ۲۰ دقیقه کم و زیاد می‌شود، اما متأخرین به دلیل بی‌اطلاعی از این تغییرات، بر حسب طول سال شمسی رصد شده کیسه را تعیین می‌کردند. البته با در نظر گرفتن طول متوسط سال شمسی که در هر هزار سال ۵ ثانیه کوتاه‌تر می‌شود، می‌توان کیسه‌های تقویم جلالی را ثابت و شاید این تنها عیب تقویم مذکور را اصلاح کرد [مصاحب، ۱۳۸۳: ۸-۶۵۷].

البته محقق برجسته‌ی ایرانی، دکتر عبدالرضا عبدالمسی، ضمن رد این نقیصه می‌نویسد: «به‌رغم عقاید گوناگون و نادرستی که درباره‌ی قانون برقراری کیسه‌های جلالی تا به امروز ارائه شده، منجمان دست‌اندرکار اصلاح گاه‌شماری، قانون بسیار هوشمندانه‌ای را برای برقراری کیسه‌های جلالی بدون ساخته‌اند که نه تنها به وسیله‌ی آن سال‌های کیسه در آینده مشخص می‌شوند، بلکه با به کار بردن آن، تمامی سال‌های کیسه و عادی از بدو تأسیس گاه‌شماری مذکور تا به امروز، به سادگی مشخص می‌شود [عبدالمسی، ۱۳۶۶: ۳۰۶]. با بررسی اثر ابوالفتح عبدالرحمن خازنی، مؤلف «زیچ سنجری» که هم‌زمان با تأسیس تقویم جلالی می‌زیست و جدولی که خواجه نصیرالدین طوسی در سی فصل ارائه می‌دهد، وجود یک ضابطه و قاعده‌ی دقیق و منظم را در اعمال کیسه می‌توان دریافت» [همان، ص ۱۶-۲۱۳].

* نویسنده‌ی درس‌های دوم و سوم تاریخ دوره‌ی پیش‌دانشگاهی

بی‌نوشته

1. Chronology

۱. جلال‌الدین همایی در تاریخ ادبیات ایران آن را ملکشاهی یا فارسی محدث نیز نام برده است [همایی، ۱۳۱۷: ۴۴۰].
۲. ابوالعباس احمد معتضد بالله، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی (۲۷۰-۲۸۹ هـ.ق)،

دست به اصلاحاتی در تقویم شمسی ایرانیان زد. هدف او از این کار، ثابت کردن نوزد و یا آغاز سال مالی در جای خود بود. نوزدی که در عهد او برقرار شد نوزد معتضدی^۳ نامیده می‌شود. اما از آن‌جا که در تعیین کیسه دقت کافی نشده بود، اصلاح تقویم درست نبود. بعدها در زمان خلافت ابوبکر عبدالکریم، ملقب به طابع لاهرالله (خلافت ۳۶۳-۳۸۱)، اصلاحاتی به عمل آمد. سپس ابومنصور نزار، ملقب به عزیز بالله، خلیفه‌ی فاطمی مصر (خلافت ۳۶۵-۳۸۶) نیز اصلاحی به عمل آورد که تا سده‌ی ششم ادامه یافت [نک: بیرشک، ۱۳۸۰: ۶۱۵].

۴. اسامی صور فلکی عبارت‌اند از: ۱. حمل، ۲. ثور، ۳. جوزا (توأمان)، ۴. سرطان، ۵. اسد، ۶. سنبله (عذرا)، ۷. میزان، ۸. عقرب، ۹. قوس (رامی)، ۱۰. جدی، ۱۱. دلو، ۱۲. حوت. طبق نوشته‌ی صور الکواکب، تعداد ستارگان این صورت‌های فلکی ۲۸۹ عدد و آن‌چه خارج از صورت‌ها قرار دارند، ۱۵۷ عدد است. بنابراین، مجموع ستارگان منطقه‌ی البروج ۴۴۶ عدد است. سرآغاز این برج‌ها حمل است که از نقطه‌ی اعتدال ربیعی آغاز می‌شود و برابر با فروردین ماه است [نبشی، ۱۳۶۶: ۴۳].

۵. حوت یکی از صورت‌های فلکی در منطقه‌ی البروج به شکل ماهی است. برج دوازدهم از دوازده برج فلکی، برابر با ماه اسفند است [عمید، ۱۳۷۷: ۸۱۱].

۶. احتساب سال بدون در نظر گرفتن خرده ایام و پایان پذیرفتن ۱۲ ماه قراردادی بر مبنای ۳۰ روز و ۳۱ روز، مانند تقویم یزدگردی [نبشی، ۱۳۶۶: ۵۵].

۷. سال شمسی حقیقی عبارت است از مدت زمان یک دور حرکت کامل زمین به دور خورشید که برابر است با ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه و ۸ صدم ثانیه و تقویم کنونی ایران بر مبنای نقطه‌ی اعتدال ربیعی بر این اساس پایه‌ریزی شده است.

۸. عبدالعلی بن محمد حسین بیرجندی (۹۲۹ هـ.ق) می‌نویسد: از آن‌جا که طول حقیقی سال شمسی در سال‌های گوناگون متفاوت است، تعیین دقیق سال‌های کیسه‌ی تقویم جلالی، تنها از طریق رصد سالیانه امکان‌پذیر است [عبدالمسی، ۱۳۶۶: ۳۱۶].

منابع

۱. گوه، علی محمد. گاه‌شماری و تاریخ‌گذاری از آغاز تا سرانجام. نشر بردار. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۳.
۲. بیات، عزیزالله. کلیات گاه‌شماری در جهان. دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ۱۳۸۱.
۳. اکرمی، موسی. گاه‌شماری ایرانی. دفتر پژوهش فرهنگی. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۴. ملک‌پور، ایرج. تقویم پنج هزار ساله‌ی هجری شمسی. پژوهشکده‌ی راه‌کمان. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۸.
۵. دانش‌نامه‌ی جهان اسلام (ج ۷). زیر نظر غلامعلی حداد عادل. بنیاد دایرةالمعارف فارسی. تهران.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه (ج ۱۷). مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا.
۷. هومند، نصرالله. گاه‌شماری باستانی مردمان مازندران و گیلان و پژوهشی در بنیان گاه‌شماری‌های ایرانی همراه با تقویم باستانی. ناشر مؤلف. تهران. ۱۳۷۵.
۸. ابن اثیر، عزالدین علی. الکامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران (ج ۱۷). ترجمه‌ی عنی هاشمی حائری. انتشارات کتب ایران. تهران. بی‌تا.
۹. شیرازی، علی‌اکبر. شرح سی فصل. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ۳۶۸۱. کتاب‌خانه‌ی ملی.
۱۰. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. سی فصل. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ۱۱۴۵۳. کتاب‌خانه‌ی ملی.
۱۱. بیرجندی، عبدالعلی. در شرح زیچ سلطانی. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ۲۷۳۶. کتاب‌خانه‌ی ملی.
۱۲. عاملی، شیخ‌بهاء‌الدین. خلاصه‌ی الحساب. نسخه‌ی خطی. شماره‌ی ۷۳۶۳. وار ۳۵۲۳. کتاب‌خانه‌ی ملی.
۱۳. صفاء، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲). انتشارات فردوسی. تهران. ۱۳۸۱.
۱۴. نقی‌زاده، سیدحسین. مقالات (ج ۱). زیر نظر ایرج افشار. چاپ‌خانه‌ی بیست و پنجم شهریور. ۱۳۴۹.
۱۵. نبشی، ابوالفضل. تقویم و تقویم‌نگاری در ایران. آستان قدس. مشهد. چاپ دوم. ۱۳۶۶.
۱۶. عبدالمسی، رضی. تاریخ تاریخ در ایران. امیرکبیر. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۶.
۱۷. رضی، هاشم. گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان. انتشارات فروهر. تهران. ۱۳۵۸.
۱۸. صفاء، ذبیح‌الله. گاه‌شماری و جشن‌های ایرانیان. مرکز مطالعات و هم‌آهنگی فرهنگی. تهران. بی‌تا.
۱۹. همایی، جلال‌الدین. تاریخ ادبیات ایران. تهران. ۱۳۱۷.
۲۰. بیرشک، احمد. گاه‌شماری ایرانی. بنیاد دانش‌نامه‌ی بزرگ فارسی. تهران. چاپ سوم. ۱۳۷۹.